

طول سجده ؛ شعری از رضا جعفری

طول سجده ؛ شعری از رضا جعفری

طول سجده ؛ شعری از رضا جعفری

آزرده طعم دوری از بار را چشیده ... روی سحر قدم زد با کسوت سپیده ؛ روی زمین قدم زد با آسمان سخن گفت ... از ابرها بپرسید از گفته و شنیده ؛ می رفت سوی مسجد اما نه مثل هر شب ... چون عاشقی که وقت وصل دلش رسیده.

آزرده طعم دوری از بار را چشیده
روی سحر قدم زد با کسوت سپیده

روی زمین قدم زد با آسمان سخن گفت
از ابرها بپرسید از گفته و شنیده

می رفت سوی مسجد اما نه مثل هر شب
چون عاشقی که وقت وصل دلش رسیده

تکبیر گفت و الحمد تا انتهای سوره
بهر رکوع خم شد با قامتی خمیده

بر خاست از رکوع و آرام رفت سجده
اشك خداست این که روی زمین چکیده

تیغی فرود آمد کعبه شکست و تسبیح
محراب ماند و تیغی کاین کعبه را دریده

او سجده کرد اما سر بر نداشت دیگر
سجده به این طویلی مسجد به خود ندیده

کعبه شکست برداشت اما نه بهر میلاد
نزدیک شد زمان دیدار يك شهیده